

# پژوهش کیفی موفقیت آمیز

راهنمای عملی برای مبتدیان

تألیف

ویرجینیا براون

ویکتوریا کلارک

ترجمه

دکتر شیوا گرانمایه پور

متخصص روان شناسی و روان درمانگر

دکتر امیرعلی مازندرانی

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

سازمان سمت



# فهرست مطالب

درباره نویسدگان.....	۵
تقدیر و تشکر.....	۶
پیشگفتار مترجمان.....	۹
<b>بخش ۱ شروع موفقیت‌آمیز پژوهش کیفی.....</b>	<b>۱۳</b>
فصل ۱ برخی اطلاعات اولیه بسیار مهم.....	۱۴
فصل ۲ ده اصل پژوهش کیفی.....	۳۳
فصل ۳ برنامه‌ریزی و طراحی پژوهش کیفی.....	۶۵
<b>بخش ۲ جمع‌آوری موفقیت‌آمیز داده‌های کیفی.....</b>	<b>۱۰۵</b>
فصل ۴ جمع‌آوری داده‌های تعاملی ۱: مصاحبه.....	۱۰۶
فصل ۵ جمع‌آوری داده‌های تعاملی ۲: گروه‌های کانونی.....	۱۴۵
فصل ۶ جمع‌آوری داده‌های متنی: زمینه‌یابی‌ها، داستان‌ها، روزنگارها و منابع ثانویه.....	۱۷۹
<b>بخش ۳ تحلیل موفقیت‌آمیز داده‌های کیفی.....</b>	<b>۲۱۲</b>
فصل ۷ آماده‌سازی داده‌های صوتی برای تحلیل: آوانویسی.....	۲۱۳
فصل ۸ پیش به سوی تحلیل.....	۲۲۸
فصل ۹ نخستین گام‌های تحلیل: آشنایی و کدگذاری داده‌ها.....	۲۶۵
فصل ۱۰ شناسایی الگوهای موجود در داده‌ها.....	۲۹۳
فصل ۱۱ تحلیل و تفسیر الگوهای موجود در داده‌ها.....	۳۲۴
<b>بخش ۴ تکمیل موفقیت‌آمیز پژوهش کیفی.....</b>	<b>۳۵۶</b>
فصل ۱۲ فنون و ملاک‌های کیفیت در پژوهش کیفی.....	۳۵۷
فصل ۱۳ نگارش و انعکاس پژوهش کیفی.....	۳۸۱
فهرست واژگان.....	۴۲۰
منابع.....	۴۲۹

تقدیم به آنانی که ما را به جان پروراندند  
و در مسیر خودشناسی و روشنایی راهنمایی کردند

## درباره نویسندگان

ویرجینیا براون، دانشیار [اکنون استاد] دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آکلند در اوتورا/نیوزلند است. او روانشناسی فمینیست و انتقادی است که در پژوهش‌های خود، حوزه‌های درهم‌تنیده جنسیت، بدن، رابطه/مسائل جنسی و سلامت را بررسی می‌کند. او روی پروژه‌هایی در ارتباط با گرایش به جنس مخالف، سلامت جنسی، سیاست‌گذاری پیشگیری از سرطان دهانه رحم، مسائل جنسی و تحصیلات دانشگاهی، معانی ذهنی و تجربه زنان از اندام تناسلی و جراحی زیبایی اندام‌های جنسی در زنان کار کرده است و در حال حاضر مشغول پروژه‌ای با سرمایه‌گذاری بنیاد مرسدن در زمینه هرزه‌نگاری است (با همکاری نیکولا گیوی و لیندا تیلر؛ دانشگاه آکلند). او همچنین به موضوع تلاقی بین کار دانشگاهی و کنش‌گرایی علاقه‌مند است و درگیر همکاری با «پویش نگاه تازه» درباره جراحی زیبایی اندام تناسلی زنان است. او علاقه‌ای مستمر به پژوهش‌های کیفی دارد، و همراه با ویکتوریا کلارک رویکردی به تحلیل درون‌مایه‌ای تدوین کرد که از لحاظ نظری، انعطاف‌پذیر است. اکنون او (در کنار نیکولا گیوی) سردبیر مجله فمینیسم و روانشناسی است.

<https://www.psych.auckland.ac.nz/people/v-braun>

ویکتوریا کلارک، دانشیار مطالعات مسائل جنسی در گروه روان‌شناسی دانشگاه غرب انگلیس در بریستول بریتانیا است. پژوهش‌های او بر والدگری فرزندان دارای گرایش‌های جنسی متفاوت، روابط جنسی، اعمال جنسی، مسائل جنسی و ظاهر افراد، مسائل جنسی و آموزش عالی و روش‌های پژوهش کیفی است. او پژوهش‌هایی با سرمایه‌گذاری ESRC و آکادمی بریتانیایی درباره روابط جنسی و رابطه مدنی انجام داده است و دو کتاب درباره روان‌شناسی انواع گرایش‌های جنسی منتشر کرده است. همچنین وی همراه با ویرجینیا براون، رویکردی به تحلیل درون‌مایه‌ای تدوین کرده که از لحاظ نظری، انعطاف‌پذیر است. در حال حاضر، دو حوزه پژوهشی مورد علاقه او از ریخت‌افتادگی‌ها/تفاوت‌های قابل مشاهده و روش تکمیل داستان هستند.

<https://people.uwe.ac.uk/Person/VictoriaClarke>

## تقدیر و تشکر

بسیار وسوسه برانگیز است که فهرست بلندبالایی از اسامی را بنویسیم و ساعتی روی مبل دراز بکشیم، اما برای خوانندگان کنجکاوی که مثل ما اول قسمت تقدیر و تشکر کتاب‌ها را می‌خوانند، چیزی می‌نویسیم که کمی جذاب‌تر باشد. پیش از هر چیز از همه کسانی که فراموش کرده‌ایم به نامشان اشاره کنیم، عذرخواهی می‌کنیم. همچنین از همه (فراوان) افرادی که آثارشان بر کاربست و شناخت ما از پژوهش‌های کیفی تأثیر داشته‌اند، اما در اینجا نامشان ذکر نشده و در کتاب به آنها استناد نشده است، پوزش می‌طلبیم. (شمایی که کنجکاوید که چرا تحت عنوان «الف» از شما تشکر شده است، اما تحت عنوان «ب» مورد تقدیر قرار نگرفته‌اید: ما نام هر کسی را فقط یکبار آورده‌ایم.)

نقطه آغاز شکل‌گیری این کتاب، خود نشان از کیفیتی دارد که آرزوی آن را داشتیم، و امیدواریم به آن کیفیت نزدیک شده باشیم. در تابستان سال ۲۰۰۷، طرح اولیه کتابمان را در شهر حیرت‌انگیز پاریس نوشتیم، و از این شهر به خاطر این که منبع زیبایی و الهام است، ممنونیم. همچنین از همه غذاهای لذیذی که در طول آن سفر شادمانه خوردیم، سپاسگزاریم! اگرچه گاهی به نظر می‌رسد که چهار سال کامل را صرف پژوهش و نگارش این کتاب کردیم، متأسفانه بیماری‌های مزمن (و ناتوانی مزمنی که در «نه» گفتن داشتیم) سرعتمان را بسیار کم کرد. به همین دلیل، پیش از هر چیز، صمیمانه از ویراستار تهیه و پیگیری انتشارات سیچ، مایکل کارمایکل، به خاطر شکیبایی‌اش تشکر می‌کنیم. همچنین به خاطر اشتیاق و اگیردار او به این پروژه، و توصیه‌های ناب او در تمام مراحل این فرایند از او سپاسگزاریم. پیام ما به او و همه دست‌اندرکاران انتشارات سیچ: ممنون و هزار آفرین بر شما!

نخستین اقدام ما برای نوشتن در مورد روش‌های پژوهش، مقاله کوچکی درباره تحلیل درون‌مایه‌ای بود، که در سال ۲۰۰۶ در مجله پژوهش‌های کیفی در روان‌شناسی به چاپ رسید، که در کمال حیرت ما حسابی معروف شد. بنابراین، لازم می‌دانیم از برندن گاف برای انتشار مقاله مذکور تشکر کنیم. همچنین از همه کسانی که نسبت به خود آن مقاله و رویکرد و راهنمایی که در آن به اختصار بیان کردیم، اظهار اشتیاق کردند، سپاسگزاریم - شور و اشتیاق شما الهام‌بخش ما برای نوشتن این کتاب بود!

هر کسی که تا کنون کتابی نوشته است، می‌داند که نگارش کتاب کاری حماسه‌وار است؛ به

طوری که یکی از همکارانم زیرکانه گفت: این کار مثل نگارش رساله دکتری در «اوقات فراغت» است. بسیاری از افراد، به طور مستقیم و غیرمستقیم، گاهی زیاد و گاهی کم یاری رسان ما بوده‌اند. از همه افرادی که با تدریس، نظارت و راهنمایی، الهام‌بخش عشق ما به پژوهش‌های کیفی بوده‌اند و در معلم، ناظر و راهنمای پژوهش‌های کیفی شدن مان نقش داشته‌اند، تشکر می‌کنیم: نیکولا گیوی، کارن هنوود، برونا سئو، کارین اسکوایر، میک بیلینگ، درک ادواردز، سلیا کیتسینگر، جانانان پاتر، سیو ویلکینسون (و سایر اعضای گروه گفتمان و بلاغت دانشگاه لافبورو)، آدرین کویل، هانا فریث و کیت گلیسون . . . دوستان و همکاران ما در دانشگاه غرب انگلیس و دانشگاه آکلند و جاهای دیگر، در ارائه حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم (و گاهی بحث‌های تفکربرانگیز درباره پژوهش کیفی) بسیار عالی بوده‌اند، از جمله دبرا گری، آندریا هیلوود، تیم کورز، هلن ملسون، تیم مک‌کرینور، الیزابت پیل، پاول ردفورد، دیمین ریگز، مرن تورین، لئونور تایفر و سوزان اسپیر، و همچنین دانشجویان مختلفی که در طول این سال‌ها ناظر پژوهش‌های‌شان بوده‌ایم. تشکر ویژه می‌کنیم از دانشجویانی که کلاس‌های روش تحقیق‌شان را ما برداشتند و شیوه تدریس و نگارش درباره پژوهش‌های کیفی را به ما آموختند.

هنگامی که نگارش این کتاب را آغاز کردیم، می‌خواستیم تا جایی که می‌توانیم مثال‌ها و مطالبی از زندگی واقعی را ذکر کنیم، تا به افراد ناآشنا نشان دهیم که پژوهش کیفی به چه صورت است. بنابراین، ما به غایت قدردان همه کسانی هستیم که محتوایی را برای این کتاب فراهم کردند، از جمله نویسندگان معرکه برخی از کادرهای درون این کتاب، سونیا الیس، سالی ویگینز و برت اسمیت، و ویلیام (ویل) هنسون که آنقدر بی‌باک بود که به ما اجازه دهد نخستین گروه کانونی را که اجرا کرده بود، برای عموم منتشر کنیم. (ویل راهبری و اجرای گروه کانونی مذکور را عالی انجام داد، و خیلی خوب به ما کمک کرد تا آوانوشت افتضاحی را که قرار بود «حرفه‌ای» آوانویسی شده باشد، درست کنیم.) سپاس از: باربارا داگلاس، پانته آفریود، نیکی هیفیلد، نیکولا رنس و جما تریکلبنک که به ما اجازه دادند از پوسترهای محشرشان استفاده کنیم (و از نیکی تشکر ویژه داریم که در آخرین ماه‌های تولید این کتاب با نظم شگفت‌انگیز و توانمندی فوق‌العاده اش زندگی‌مان را خیلی آسان‌تر کرد)؛ تشکر می‌کنیم از بتانی کوپر، النی دمیتریو، کاساندر راجرز و کاترین اسپنس که به ما اجازه دادند از مطالب موجود در پروژه‌های عالی سال آخرشان استفاده کنیم؛ و سپاس از پائولت بنتون - گریگ، کیت میشل، الیس اوبرلند و امیلی اُپرن برای دستیاری پژوهش؛ تشکر ما از دو نفر آخر بابت کارهایی است که برای پروژه‌های مربوط به دیدگاه مردم درباره موه‌های ناحیه تناسلی و ارگاسم انجام دادید. از آنجایی که پژوهش‌های کیفی متکی بر شرکت‌کننده‌ها هستند، از

همه شرکت‌کنندگان پروژه‌های پژوهشی ذکرشده در این کتاب بسیار سپاسگزاریم. از شش شرکت‌کننده گروه کانونی وزن و چاقی، و دن، دنی، اوون، و چهار دانشجوی کارشناسی که در گروه کانونی هنر بدنی شرکت کردند (و سوفی گری که دستیار مدیر جلسه بود) تشکر ویژه داریم که با سخاوتمندی به ما اجازه دادند که مطالب بیان شده در آن گروه‌ها را به طور عمومی منتشر کنیم. سرانجام، در چهار سال گذشته، این کتاب دگرگونی‌های مختلفی داشته است، و ما دستدارانه از ایرمگارد تیچنر تشکر می‌کنیم که در یک مرحله، قصد داشت از پژوهش خود درباره تجربه درشت‌هیکلی داده‌هایی را برای این کتاب در ما قرار دهد.

لازم می‌دانیم تشکر ویژه‌ای داشته باشیم از کتابخانه دانشگاه آکلند، که فارغ از این که چقدر مطالبی که به دنبال‌شان بودیم، گمنام به نظر می‌رسیدند، هیچ‌وقت ما را ناامید نکرد؛ از گروه روان‌شناسی دانشگاه آکلند به خاطر حمایت‌هایی که از به شیوه‌های مختلف از ما داشتند؛ و از مارگارت ساندلوفسکی که درباره هر موضوعی که بتوان در مورد پژوهش‌های کیفی تصور کرد، مقاله‌های *استادانه‌ای* نوشته است. کم‌کم داریم احساس زیاده‌گویی می‌کنیم. سپاس از سارا - جین، گای، اولیور و رایان و دوستان مختلفی که خارج از دانشگاه داریم که در آخرین مراحل نگارش این کتاب، حواس‌پرتی‌ها و سرگرمی‌های لازم و دلپذیری را فراهم می‌کردند، و از نائومی مولر به خاطر قوت قلب‌هایی که می‌داد و چیزهای بسیار بسیار بیشتر.

سرانجام، حال که از همکاران، شرکت‌کنندگان، ناشر و پاریس تشکر کردیم، وقت آن است که از حیوان خانگی، همسر و والدین‌مان هم تشکر کنیم. تقدیم به تویی که اینقدر دوست‌داشتنی است و یادمان می‌اندازد که آشغالی بیش نیستند، و همه چیز پارک، از هوا گرفتن و مالیدن‌های شکم است. تقدیم به دیوید: شاید باورت نشود، اما بالاخره «آن کتاب لعنتی» را تمام کردیم و قول می‌دهیم کتاب دیگری ننویسیم ... البته تا مدتی (و تازه اخیراً هیچ کتاب آشپزی‌ای نخریدیم، راست می‌گوییم ...!)؛ تویی نظیر بودی. تقدیم به پِن، که عشق به یادگیری و تفکر نقادانه درباره دنیا را در ذهنم به وجود آورد؛ و تقدیم به ماریون و رگ به خاطر این که والدین سربلندی هستند (و به خاطر تمام دفعاتی که مرا به کتابخانه رساندید - ارزشش را داشت!): این کتاب تقدیم به شما است.

## پیشگفتار مترجمان

امروزه در بسیاری از دانشگاه‌ها، روش‌های کیفی بسیار پرطرفدار هستند؛ آنچنان که گاهی به نظر می‌رسد که پایان‌نامه یا رساله خوب زمانی «سطح بالا» است که دانشجو از روش‌های آماری پیچیده و یا از روش‌های کیفی استفاده می‌کند. اگرچه چندین کتاب در زمینه پژوهش‌های کیفی ترجمه شده‌اند، اما همچنان در عین جذابیت برای بسیاری از استادها و دانشجویها، تا حد زیادی مرموز و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسند. دانشجویان بلندهمتی که برای پایان‌نامه یا رساله خود موضوع‌های متناسب با روش‌های کیفی را انتخاب می‌کنند، عملاً خودشان را به دردسر بزرگی می‌اندازند، و در آخر هم مشخص نیست که آیا روش درستی را انتخاب کرده و آن روش را به درستی اجرا کرده‌اند یا خیر.

شاید یکی از دلایل این که انجام پژوهش کیفی تا این حد دشوار به نظر می‌رسد، آن است که گاهی این نوع پژوهش فقط با نسخه‌های کامل نظریه داده‌بنیاد شناخته می‌شود که روش‌شناسی نسبتاً دشواری دارد. تصمیم به ترجمه این کتاب دقیقاً از همین نقطه در ذهن مترجمین شکل گرفت. دو هم کلاسی دوره دکتری که علامند و کنجکاو در انتخاب چالش‌انگیز روش کیفی برای انتخاب موضوع پایان‌نامه دکتری خود بودند. زمانی که در حال نگارش طرح اولیه رساله دکتری بودیم، بارها در مورد انتخاب موضوع و روش با وجود حیطه‌های کاری مختلف بحث و بررسی و تبادل تجربه در این مسیر ناهموار پژوهش کیفی بودیم. طی این مسیر در یک جستجوی ساده، یکی از اولین مقاله‌هایی که برای این منظور به چشممان خورد، مقاله مشهور براون و کلارک، یعنی نویسندگان این کتاب بود که در سال ۲۰۰۶ آن را نوشتند و تا کنون بیش از ۱۱۰ هزار بار به آن استناد شده است. این مقاله را که یک راهنمای مختصر از روش تحلیل درون‌مایه‌ای است، با دقت خواندیم و آن را راهنمایی کمک‌رسان برای ادامه حرکت در این مسیر پرچالش یافتیم.

پس از مطالعه آن مقاله، احساس کردیم که مطالعه یک مقاله برای آشنایی کامل و اجرای دقیق یک روش نمی‌تواند کافی باشد، آن هم در زمینه پژوهش کیفی که در هر مرحله با هزاران پرسش و ابزارهای بی‌شمار بایستی مفهوم پردازی کرده و با ذهنی باز خود را در مسیر کشف و شناسایی پاسخ‌هایی مبتنی بر واقعیت نگه‌داری. با جستجوی بیشتر متوجه شدیم که کامل‌ترین راهنما برای این روش را خود این نویسندگان در کتابی نوشته‌اند که اکنون در پیش روی شما است. خبر خوش این است که این دو نویسنده به تازگی کتاب جدیدی را نوشته‌اند که در آن به طور ویژه، روش تحلیل درون‌مایه‌ای را به صورت مشروح



توضیح می‌دهند. اکنون که در حال نگارش این پیشگفتار هستیم، کتاب مذکور هنوز منتشر نشده است. هنگامی که مطالعه کتاب حاضر را آغاز کردیم، هر چه بیشتر می‌خواندیم، بیشتر احساس می‌کردیم که انجام پژوهش کیفی تنها مستلزم شناخت یک روش نیست، بلکه پژوهشگر کیفی لازم است کاملاً ذهنیت تازه‌ای نسبت به پژوهش پیدا کند. متوجه شدیم که این کتاب در عین سادگی متن، ذهنیت و درکی عمیق را نسبت به پژوهش کیفی ایجاد می‌کند. در مسیر شناخت و یادگیری روش کیفی و کاربرد درخشان آن در شناسایی و نزدیک تر شدن به معنای نزدیک تری از واقعیت در حوزه تخصصی هریک از ما در پایان نامه دکتری، این کتاب برایمان بسیار روشنگر بود و ما از خواندن تمام بخش‌های این کتاب لذت بردیم و از آن مطالب زیادی آموختیم. هر چه پیش میرفتیم این سوال به شکل جدی تری ذهن هر دوی ما را به خود مشغول می‌کرد، به خصوص که هر دو در حال تدریس در دانشگاه هم بودیم و این دغدغه را در مورد دسترسی منبعی قابل اعتماد و راهگشا در زمینه پژوهش کیفی در حیطه روان‌شناسی برای دانشجویان و همکاران خود داشتیم: «چرا این لذت را با دیگرانی که می‌خواهند با پژوهش کیفی آشنا شوند، تقسیم نکنیم؟» به همین دلیل، به جای این که فقط کتاب را بخوانیم، تصمیم به ترجمه آن گرفتیم.

رشته تحصیلی کلارک و براون، مثل ما و شاید شما روان‌شناسی است، و این باعث خوشحالی بیشتر ما است، چون بخش عمده مثال‌های این کتاب با تخصص، دغدغه‌ها و علاقه روان‌شناسان همخوانی دارد. البته این کتاب برای دانشجویان همه رشته‌ها مناسب است. چه کسی است که از خواندن مثال‌هایی از پژوهش‌های روان‌شناختی دلزده شود؟ کلارک و براون، علاوه بر این که نابغه روش‌شناسی هستند، آموزگاران معرکه‌ای هم هستند. آنها روش بسیار خوبی را برای معرفی پژوهش کیفی انتخاب کرده‌اند: نه به صورت یک دستورالعمل، مرحله به مرحله، اجرای یک نوع پژوهش خاص را توضیح داده‌اند، و نه فهرست بلندبالایی از روش‌های کیفی را به صورت یک دانشنامه تنظیم کرده‌اند. به جای این روش‌های مرسوم، کتاب را به چهار بخش تقسیم کرده‌اند. در بخش اول، مبانی اولیه و اصول اجرای پژوهش کیفی را توضیح داده‌اند. در بخش دوم، شیوه‌های مهم جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی از جمله مصاحبه، گروه کانونی و داده‌های متنی را معرفی کرده‌اند. در بخش سوم، چهار روش معتبر و پرکاربرد تحلیل کیفی یعنی تحلیل درون‌مایه‌ای، نظریه داده‌بنیاد، تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و تحلیل گفتمان را توضیح داده‌اند و در بخش چهارم، نکات مهمی را درباره ملاک‌های کیفیت و اعتبار و شیوه ارائه و نگارش پژوهش کیفی نوشته‌اند. آنها با نگارش دقیق و گام به گام شما را در لحظه به لحظه از انجام پژوهش کیفی همراهی می‌کنند و هرآنچه چالش یا دشواری محسوب می‌شود را برای شما هموارتر و روشن می‌کنند. لطفاً قول بدهید که این کتاب را تا انتها می‌خوانید. با عجله آن را نخوانید و سعی کنید، مطالبش را آرام آرام مزمه کنید و بچشید تا به خوبی

به دلتان بنشینند. شاید شبیه ما لازم است علاوه بر مطالعه این کتاب در طول انجام پژوهش خود بارها و بارها سراغ مطالب کتاب بروید و گام به گام مرور کنید و همراه شوید.

در ترجمه ساختار جمله‌ها و معادل‌یابی‌ها تا می‌توانستیم دقت کردیم. به طور مثال، در طول مطالعه این کتاب با اصطلاح «تحلیل درون‌مایه‌ای» روبرو می‌شوید که آن را به عنوان معادل Thematic Analysis انتخاب کردیم. اگر با این روش، آشنایی قبلی داشته باشید، احتمالاً آن را به عنوان «تحلیل مضمون» می‌شناسید، اما این معادل، نادرست است. اصطلاح Thematic، صفت و «مضمون» اسم است. در این روش، مضمون، تحلیل نمی‌شود، بلکه داده‌ها تحلیل می‌شوند، و در آن پژوهشگر از لحاظ «درون‌مایه‌ای» داده‌ها را تحلیل می‌کند. بنابراین، معادل «تحلیل درون‌مایه‌ای» صحیح است. البته می‌توان از اصطلاح «تحلیل مضمونی» هم استفاده کرد که البته از نظر ما خیلی نامأنوس است. با این حال، با اشتیاق کامل، پذیرای پیشنهادها و انتقادهای استادها و دانشجویان عزیز برای بهبود این ترجمه هستیم.

در پایان، لازم می‌دانیم از تمام اساتید، دوستان و عزیزانی که ما را در انجام و به ثمر رساندن این کار همراهی کردند تشکر کنیم. قطعاً بدون حمایت و همراهی مستقیم و غیر مستقیم آنها هرگز این سفر به مقصد نمی‌رسید. اساتیدی همچون خانم دکتر ماریا یوجینیا آگیلار مرچن که راهنمای آقای دکتر مازندرانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری بودند که در پرورش شیوه تفکر و نگاه علمی بسیار اثربخش بودند. آقای دکتر پرویز آزادفلاح که مدیر گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و استاد راهنمای خانم دکتر گرانمایه پور بودند و ما از حمایت‌های بی‌نظیر ایشان در فراهم کردن بستر مناسب برای انجام پژوهش کیفی بسیار بهره بردیم. ترجمه و ویرایش این کتاب بیش از اندازه به طول انجامید. از این رو، از صبر و همراهی همیشگی مسئولان انتشارات ارجمند بسیار تشکر می‌کنم. سرانجام، ترجمه این کتاب، در زمانی انجام شد که هردوی ما دانشجوی دکتری، مدرس دانشگاه، روان‌درمانگر و عضوی از خانواده بودیم. از صمیم قلب برای همراهی، حمایت و پشتیبانی خانواده‌های عزیزمان سپاسگزاریم و در این بین آقای دکتر مازندرانی، تجربه آغاز زندگی شیرین متأهلی را داشتند. هر کسی که چنین شرایطی را داشته است، می‌داند که ترکیب این مسئولیت‌ها به چه معنا است. بنابراین، تصمیم گرفتیم به پاس قدردانی از همراهی و حمایت‌های بی‌دریغ همسر عزیز ایشان ترجمه این کتاب را به همسرشان تقدیم کنیم.

شیوا گرانمایه پور

امیرعلی مازندرانی

آبان ۱۴۰۰

بخش ۱

# شروع موفقیت آمیز پژوهش کیفی

# فصل ۱

## برخی اطلاعات اولیه بسیار مهم

### مروری بر مطالب فصل

پژوهش کیفی چیست؟  
پژوهش کیفی به عنوان یک پارادایم  
ظهور پارادایم پژوهش کیفی (در روان‌شناسی)  
برای تبدیل شدن به یک پژوهشگر کیفی خوب چه باید کرد؟  
چرا عاشق پژوهش کیفی هستیم؟  
رویکرد ما در این کتاب

به زودی شما را با دنیای شگفت‌انگیز پژوهش کیفی آشنا می‌کنیم. دنیایی که گسترده و هیجان‌انگیز، و پر از حیطه‌های جدید برای اکتشاف است. امیدواریم یاد بگیرید که مثل ما نسبت به این نوع پژوهش عشق و حس اشتیاق پیدا کنید. چون می‌دانیم این اتفاق برای همه نمی‌افتد، می‌خواهیم واقعاً احساس کنید که آن را «درک» می‌کنید: یعنی می‌خواهیم هم هدف و هم مفروضات پژوهش کیفی را درک کنید، و به ویژه بدانید در عمل چگونه یک پروژه پژوهشی کیفی را آغاز کنید. برای تحقق این امر، باید تمام ایده‌هایی را که درباره چستی پژوهش دارید، کنار بگذارید و با «چشمانی باز» به سوی این حیطه روی بیاورید؛ مانند یک کاشفی که فقط در صورتی می‌تواند یک فرهنگ کاملاً متفاوت را درک کند که آن فرهنگ را با دیدگاه‌ها و ارزش‌های فرهنگ خود نظاره نکند.

### پژوهش کیفی چیست؟

اساسی‌ترین تعریف پژوهش کیفی این است که این نوع پژوهش از کلمات به عنوان داده استفاده می‌کند (فصل ۲ را ملاحظه کنید) و این کلمات ممکن است به اشکال گوناگون جمع‌آوری یا تحلیل شوند. در مقابل، پژوهش کمی از اعداد به عنوان داده استفاده می‌کند و این اعداد را با فنون آماری

تحلیل می‌کند. اصطلاح پژوهش کیفی، هم برای اشاره به مجموعه‌ای از فنون (فنون جمع‌آوری داده‌ها یا فنون تحلیل داده‌ها)، و هم برای چارچوبی گسترده‌تر برای انجام پژوهش، یا پارادایم به کار می‌رود. در اینجا منظور از پارادایم، باورها، مفروضات، ارزش‌ها و آدابی است که میان یک جامعه پژوهشی، رایج و مشترک است (کتاب کوهن، ۱۹۶۲ را ملاحظه کنید) و چارچوبی فراگیر برای پژوهش فراهم می‌کنند. بر اساس تعریف ما، پژوهش کیفی فقط داده و فن نیست، بلکه به کارگیری فنون کیفی در پارادایم کیفی است که با پارادایم کمی کاملاً متفاوت است (جدول ۱-۱ را ملاحظه کنید). به این دیدگاه، پژوهش کیفی با **Q** بزرگ گفته می‌شود که در مقابل پژوهش کیفی با **q** کوچک قرار می‌گیرد (کیدر، و فاین، ۱۹۸۷). پژوهش کیفی با **q** کوچک عبارت است از به کارگیری فنون و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات کیفی خاص که (لزوماً) در پارادایم کیفی قرار نمی‌گیرند (کادر ۱-۱ را ملاحظه کنید).

#### جدول ۱-۱ تعدادی از تفاوت‌های مهم میان پارادایم کیفی و کمی

کیفی	کمی
از کلمات - زبان نوشتاری یا گفتاری - (و تصاویر) به عنوان داده استفاده می‌شود.	از اعداد به عنوان داده استفاده می‌شود.
به دنبال درک و تفسیر معانی محلی و شناخت داده‌ها به صورتی است که در محیط جمع‌آوری شده‌اند. گاهی دانشی را تولید می‌کند که به درک مفاهیم کلی‌تر کمک می‌کند.	با هدف تعمیم یافته‌ها به یک جامعه وسیع‌تر - به دنبال شناسایی رابطه میان متغیرها است تا تبیین یا پیش‌بینی کند.
داده‌هایی «محدود»، اما غنی، با توصیفاتی انبوه تولید می‌کند - یعنی جزئیات زیاد و پیچیده‌ای از هر شرکت‌کننده ارائه می‌شود؛ افراد زیادی مشارکت نمی‌کنند.	داده‌هایی «سطحی»، اما گسترده تولید می‌کند - از هر شرکت‌کننده جزئیات پیچیده‌ی زیادی به دست نمی‌آید، اما افراد زیادی مشارکت می‌کنند (تا توان آماری مورد نیاز به دست آید).
معمولاً به دنبال الگوها است، اما در جستجوی تفاوت‌ها و واگرایی‌های درون داده‌ها نیز هست و با آن‌ها تطبیق پیدا می‌کند.	به دنبال اجماع، هنجارها و الگوهای کلی است؛ اغلب با هدف کاهش تنوع پاسخ‌ها به یک پاسخ متوسط انجام می‌گیرد.
معمولاً به صورت نظریه‌ساز و استقرایی است (نظریه از داده‌ها تولید می‌شود)	معمولاً به صورت آزمون فرضیه و قیاسی است.
درگیری شخصی و جانبداری (ذهنیت، خوداندیشی) را ارزش می‌داند.	عدم تعلق و بی‌طرفی (یا عینیت) را ارزش می‌داند.
روش آن کم‌تر ثابت و مقرر است (در همان پژوهش می‌توان تمرکز آن را اصلاح و سازگار کرد).	روش ثابت و مقررری دارد (هنگامی که جمع‌آوری داده‌ها شروع شد، تغییر تمرکز پژوهش دشوارتر است)
معمولاً برای تکمیل، به زمان بیشتری نیاز دارد و به صورت تفسیری است و در آن فرمولی به کار نمی‌رود.	ممکن است خیلی زود تکمیل شود

با تغییر (و گسترش) برگرفته از تالیف، و دیویدسون (۲۰۰۳)

### کادر ۱-۱ مثال‌هایی از پژوهش کیفی با Q کوچک

استفاده از فنون کیفی خارج از پارادایم کیفی (پژوهش کیفی با Q کوچک) به اشکال مختلفی اتفاق می‌افتد.

یک پروژه پژوهشی ممکن است با رویکردی واقع‌گرا و اثبات‌گرا انجام شود و در آن ارزش‌ها و مفروضات پژوهش کیفی با Q بزرگ رد شود.

روش‌های کیفی را می‌توان به عنوان پیش‌درآمد پژوهش‌های کمی مورد استفاده قرار داد. به طور مثال، در یک مطالعه در زمینه تأثیرات افسردگی، اساتید روان‌پزشکی و پرستاری آمریکا، جیمز کوین و مارگارت کالارکو (۱۹۹۵) دو گروه کانونی را اجرا کردند و اظهارات شرکت‌کنندگان را به صورت درون‌مایه‌ای در هشت طبقه قرار دادند و بر اساس این طبقات پرسشنامه‌ای تدوین کردند. آنها از این پرسشنامه برای تولید داده‌هایی استفاده کردند که بعداً آنها را مورد تحلیل قرار دادند.

روش کیفی را می‌توان در کنار روش‌های کمی به عنوان بخشی از یک طرح آمیخته مورد استفاده قرار داد (کتاب مارتنز، ۲۰۰۵ را ملاحظه کنید). در بسیاری از **طرح‌های آمیخته** ممکن است مؤلفه کیفی در پروژه‌های گنجانده شود که در درجه اول کمی و واقع‌گرا است. چنین طرح‌هایی به ندرت پژوهش کیفی با Q بزرگ هستند. به طور مثال، در مطالعه پژوهشگر غذا و زراعت، شارلوت ویتزل و همکارانش (۲۰۰۳)، در مورد برداشت‌های مصرف‌کنندگان از غذا، زراعت و خرید تولیدات محلی غذا، داده‌های کیفی حاصل از شش گروه کانونی را برای شناسایی اولویت‌های مصرف‌کنندگان هنگام خرید مواد غذایی، برداشت‌های آنها از زراعت/ تهیه مواد غذایی، و علاقه آنها به تولیدات محلی مواد غذایی مورد استفاده قرار دادند و از این داده‌ها برای فراهم‌سازی اطلاعات اولیه به منظور تدوین یک زمینه‌یابی کمی استفاده کردند. تحلیل کیفی در کنار یافته‌های کمی ارائه و تفسیر شد. این تحلیل، با فرض وجود رابطه مستقیم میان آنچه مردم می‌گویند و آنچه باور دارند (و انجام می‌دهند)، محتوای مصاحبه‌ها را توصیف کرد.

داده‌های کیفی ممکن است به بازنمایی‌های عددی تبدیل شده و به صورت کمی تحلیل شوند. به طور مثال، پژوهشگران سلامت عمومی، مری استوری، و پاتریشیا فالکنر (۱۹۹۰) مجموعه‌ای از قسمت‌های ۱۱ برنامه تلویزیونی پرتعداد آمریکا در ساعات پربیننده را جمع‌آوری و متن این برنامه‌ها را بر اساس اشاره به مواد غذایی کدگذاری کردند. فراوانی کدها مقایسه شد و از آنها به منظور تعیین پیام‌های ارائه شده درباره غذا و خوردن در ساعات پربیننده استفاده شد. در مجموع، آنها گزارش دادند که اشاره به مواد غذایی «فراگیر» است، که اکثر آنها به مواد دارای ارزش‌های غذایی پایین مربوط می‌شد. آنها به این نتیجه رسیدند که برنامه‌ها و تبلیغات تلویزیونی، عادات غذایی نامناسب را ترویج می‌کنند. روش معمول در این‌جا تحلیل محتوا است، که در آن داده‌های کیفی به صورت عددی کدگذاری و تحلیل می‌شوند و در این زمینه مناقشه وجود دارد که آیا این روش، کیفی محسوب می‌شود یا می‌تواند باشد یا خیر. بسیاری به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند، به طور مثال، کتاب راهنمای *مطالعات کیفی انتشارات Sage* (دزین، و لینکولن، ۲۰۰۵ ب) خیلی کم درباره این روش بحث می‌کند؛ ما نیز در این کتاب، این روش را مطرح نمی‌کنیم، زیرا می‌خواهیم بر روش‌های کاملاً کیفی متمرکز باشیم. تأکید روش تحلیل محتوا بر کمیت به طور اساسی مورد انتقاد قرار گرفته است (مرینگ، ۲۰۰۴) و اشکال تحلیلی‌تر آن تدوین شده است - که اغلب به عنوان تحلیل محتوای کیفی به آن اشاره می‌شود (مثلاً سیه، و شانون، ۲۰۰۵؛ مرینگ، ۲۰۰۴) که مشابه با روش **تحلیل درون‌مایه‌ای** است.

## پژوهش کیفی به عنوان پارادایم

مجموعه گسترده‌ای از ویژگی‌ها و مفروضات، پارادایم پژوهش کیفی غیراثبات‌گرا را تشکیل می‌دهد. چیزی که در این نوع پژوهش کاملاً اساسی است، آن است که پژوهش کیفی معمولاً این پیش‌فرض را ندارد که فقط یک نسخه صحیح از واقعیت یا دانش وجود دارد. در عوض، پژوهش کیفی برگرفته از دیدگاهی است که ادعا می‌کند حتی برای یک فرد واحد چندین نسخه از واقعیت وجود دارد و این واقعیات متعدد ارتباط بسیار نزدیکی با بافتار و فضایی دارند که این واقعیات روی می‌دهند. اغلب پژوهشگران کیفی بر این باورند که درست نیست و حتی نباید دانش را در خارج از محیطی در نظر بگیریم که آن دانش ایجاد شده است. منظور از بافتار، هم بافتار تولید داده‌ها است، مانند شرایط مصاحبه و هم بافتارهای گسترده‌تر اجتماعی - فرهنگی و سیاسی پژوهش است. پژوهش روان‌شناسان اهل نیوزلند، ماری برنز و نیکلا گیوی (۲۰۰۴) درباره معانی و گفتمان‌های مربوط به وزن بدن، اندازه بدن، و عادات عملی مربوط به بدن مثال خوبی از در نظر گرفتن بافتار در پژوهش است (که در واقع آن‌ها در طرح پژوهش خود این موضوع را قرار داده بودند). آن‌ها از طریق تحلیل همزمان پیام‌های عمومی سلامت و مبلغ «وزن سالم» (به عنوان پاسخ به «همه‌گیری چاقی») تحلیل خود را از گفته‌های زنانی که عادت به پرخوری عصبی داشتند، در بستر جامعه قرار دادند و نشان دادند که ارتباطی مفهومی میان «وزن سالم» و باریک‌اندازی وجود دارد. این معنای عرفی توسط زنانی که عادت به پرخوری عصبی داشتند، به کار رفت تا رفتارهای پاکسازی و جبرانی (نظیر استفراغ و ورزش بیش از حد) خود را تبیین و توجیه کنند: این رفتارها به بهانه دست آوردن بدن «سالم» (یا همان لاغر) انجام می‌شد. تحلیل این دانشمندان با قرار دادن گفته‌های زنان در متن جامعه و به ویژه تحلیل پیام‌های عمومی سلامت، در این زمینه بینش‌های جذابی را فراهم می‌کند که چگونه پیامی که در یک حوزه سودمند به نظر می‌رسد - یعنی پیام «وزن سالم» - در عمل می‌تواند در حوزه‌ای دیگر به شکلی بسیار «ناسالم» به کار رود.

سایر عناصر پارادایم کیفی عبارت‌اند از (سیلورمن، ۲۰۰۰):

- استفاده از داده‌های کیفی و تحلیل کلمات که قابل تنزل به اعداد نیستند؛
- استفاده از روش‌های جمع‌آوری داده‌هایی که به صورت «طبیعی» تر اتفاق افتاده و شباهت بیش‌تری به زندگی واقعی دارند (در مقایسه با سایر روش‌ها مانند آزمایش). این روش از این ایده نشأت گرفته است که ما نمی‌توانیم در انزوا از بافتار به داده‌ها معنا بدهیم؛
- علاقه‌مندی به معنا به جای گزارش‌ها و اندازه‌گیری‌های رفتار و شناخت درونی؛
- استفاده از پژوهش استقرایی و نظریه‌ساز؛